

اصول عالی راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی

محمد رضا سیمیری

احسان عامری مقدم

چکیده مدیریتی

شبکه بین‌المللی آموزش مالی وابسته به سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (INFE/OECD) با همکاری نمایندگان بیش از ۱۰۰ اقتصاد از جمله اعضای G۲۰ و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه بر اساس یک پیمایش بین‌المللی، «اصول عالی راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی» را در آوریل ۲۰۱۲ تصویب و در آگوست ۲۰۱۲ منتشر کرد. در این سند به اهمیت سواد مالی به عنوان یک مهارت مهم زندگی فردی در اکثر اقتصادها به‌ویژه پس از بحران‌های مالی اخیر پرداخته می‌شود. با افزایش توجه و منابع صرف شده برای پروژه‌های آموزش مالی، اهمیت اطمینان از کارایی و مربوط بودن این برنامه‌ها و اثرات بلندمدت آنها نیز افزایش یافته است. در این راستا، استقرار راهبردهای هماهنگ و متناسب در سطح ملی به عنوان یکی از بهترین ابزارها برای دستیابی به این اهداف، کارآمد تلقی شده است. مجموعه اصول مندرج در این سند تصدیق می‌کند که هیچ مدل واحدی برای توسعه راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی وجود ندارد و هدف آنها ارائه راهنمایی کلی در مورد عناصر اصلی مطلوب راهبردهای ملی کارآمد برای آموزش سواد مالی است که باید با در نظر گرفتن شرایط و زمینه کشورها اعمال شود. به عبارت دیگر، استقرار و تدوین راهبرد ملی بومی برای آموزش سواد مالی در کشورهای مختلف با لحاظ اصول کلی ارائه شده در این سند، هدف اصلی نگارش و تهیه این اصول عالی است. این سند در قالب پنج بخش و یک پیوست به تشریح فرآیندهای مقدماتی، تهیه و توسعه راهبرد ملی در حوزه آموزش سواد مالی پرداخته است. در بخش اول به مفاهیم کلی اشاره نموده و تعریف، دامنه و هدف یک راهبرد ملی را بیان می‌کند. در بخش دوم این سند به تهیه راهبرد ملی در چهار عنوان تخصصی اشاره شده است. تعریف دامنه و هدف از طریق ارزیابی، نگاشت نهادی-موضوعی و فرآیندهای رسمی مشورت [کارگروه‌های بین‌بخشی] از جمله مطالب مطرح شده در این بخش است. سپس در بخش سوم به سازوکار حکمرانی و نقش ذینفعان اصلی در راهبرد ملی اشاره شده و به تفکیک با توجه به موضوع هماهنگ‌سازی در سطح ملی به وظایف و حدود اختیارات ذینفعان پرداخته می‌شود. موضوع محوری بخش چهارم، تهیه نقشه راه برای تدوین راهبرد ملی است. در این بخش توضیحات کاملی پیرامون اولویت‌های کلیدی، مخاطبان هدف، اثرسنجی و امکانات اجرا در مسیر طراحی راهبرد ملی ارائه می‌گردد. بخش پایانی (پنجم) به مرحله اجرای راهبرد ملی اختصاص دارد. در این بخش سازوکارهای ارائه و ارزیابی برنامه‌ها با توجه به ملاحظات بیان شده در بخش‌های قبلی تشریح می‌گردد. در آخرین بخش این سند نیز رهنمودهایی درباره روش‌های ارائه، آموزش و ابزارها به عنوان مکمل بخش پنجم نگارش شده است. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود رهنمودهای مطرح شده در حوزه تهیه و ارائه آموزش‌های مالی در راهبرد ملی، متناسب با شرایط کشورها مورد بهره‌برداری قرار گیرند. با توجه به موضوع مهم بومی‌سازی این اصول در کشورها و همچنین ضرورت ارائه پیشنهادها کاربردی متناسب با شرایط کشور، در بخش پایانی پیشنهادهایی از سوی محققین جهت اجرای هر چه بهتر راهبرد ملی آموزش سواد مالی ارائه شده است. تشویق و حمایت بیشتر از پژوهشگران و دانشجویان فعال در حوزه سواد مالی، ترویج و گفتمان‌سازی پیرامون مقوله سواد مالی و اهمیت یادگیری آن در بین عموم مردم، شناسایی نیازها و کمبودهای مهارتی و دانشی عموم مردم از جهت سواد مالی، تعریف استانداردهای محتوایی و اجرایی در زمینه آموزش مالی، برگزاری سریع و گسترده دوره‌های آموزش تربیت مربی در حوزه آموزش سواد مالی، تشکیل صندوق حمایت از مؤسسات و مراکز آموزش خصوصی در حوزه سواد مالی کودکان و بزرگسال، ایجاد یک (هویت بصری) برند ملی به همراه شعار ویژه جهت اطلاع‌رسانی مؤثر و جذاب و ایجاد یک پلتفرم ساده و کاربردی آموزش مالی و سرمایه‌گذاری با هدف انتشار محتوای آموزشی از جمله مهم‌ترین محورهای پیشنهادی^۱ است.

واژگان کلیدی: راهبرد ملی آموزش سواد مالی، سواد مالی، آموزش مالی، شمول مالی.

^۱ در بخش پایانی، پیشنهادها به طور کامل ارائه شده است.

مقدمه

شبکه بین‌المللی آموزش مالی (INFE)^۱ وابسته به سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)^۲ با همکاری نمایندگان بیش از ۱۰۰ اقتصاد از جمله اعضای G۲۰^۳ و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه بر اساس یک پیمایش بین‌المللی و فرآیند بررسی‌های دارای بازخور^۴ (تکرارپذیر) عمیق، در آوریل ۲۰۱۲ «اصول عالی راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی»^۵ را تصویب کرده و در آگوست ۲۰۱۲ منتشر نمود.

در مقدمه این سند به چگونگی نحوه ایجاد و فرآیندهای کاری مرتبط با تصویب این اصول در نشست سران G۲۰^۶ اشاره شده و سپس به اهمیت سواد مالی^۷ به عنوان یک مهارت مهم زندگی فردی در اکثر اقتصادها به‌ویژه پس از بحران‌های مالی اخیر پرداخته می‌شود. اساسی‌ترین دلایل توجه رو به رشد در سیاست‌گذاری آموزش سواد مالی عبارتند از: انتقال طیف وسیعی از ریسک‌های مالی به مصرف‌کنندگان^۸، پیچیدگی بیشتر و تکامل سریع چشم‌انداز مالی، افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران فعال در حوزه مالی و توانایی محدود مقررات (به تنهایی) برای محافظت کارآمد از مصرف‌کنندگان. علاوه بر این، بیان می‌شود که کم‌سوادی مالی^۹ اثرات منفی برای جامعه، بازارهای مالی و خانواده‌ها به همراه خواهد داشت و در ادامه تبدیل شدن بهبود رفتارهای مالی افراد به یک اولویت سیاستی در بسیاری از کشورها مورد تأکید قرار می‌گیرد. این روند به‌ویژه منجر به توسعه طیف گسترده‌ای از ابتکارات آموزش سواد مالی توسط دولت‌ها، تنظیم‌گرها و سایر ذینفعان خصوصی و مدنی شده است که گاهی اوقات با اقدامات حمایت از مصرف‌کننده مالی ترکیب می‌شود.

اساسی‌ترین دلایل توجه رو به رشد در سیاست‌گذاری آموزش سواد مالی در جهان			
انتقال طیف وسیعی از ریسک‌های مالی به مصرف‌کنندگان	پیچیدگی بیشتر و تکامل سریع چشم‌انداز مالی	افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران فعال در حوزه مالی	توانایی محدود مقررات (به تنهایی) برای محافظت کارآمد از مصرف‌کنندگان

جدول ۱- ضرورت‌های سیاست‌گذاری آموزش سواد مالی

^۱ International Network on Financial Education (INFE)

^۲ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۳ گروه ۲۰ یک مجمع بین‌دولتی متشکل از ۱۹ کشور مستقل، اتحادیه اروپا (EU) و اتحادیه آفریقا (AU) است.

^۴ Iterative review process

^۵ High-Level Principles On National Strategies For Financial Education

^۶ ۲۰۱۲، ۰۰۰۰۰۰۰، ۰۲۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰

^۷ Financial Literacy: سواد مالی عبارت است از ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، نگرش و رفتار لازم برای تصمیم‌گیری‌های مالی صحیح و در نهایت دستیابی به رفاه مالی فردی (OECD, ۲۰۱۲).

^۸ Consumers: مصرف‌کنندگان محصولات مالی مانند استفاده‌کنندگان از خدمات بازار سرمایه، بیمه عمر و زندگی، بیمه شخص ثالث، تسهیلات بانکی، سپرده‌ها و ضمانت‌نامه‌های بانکی و

^۹ Low levels of financial literacy

با افزایش توجه و امکانات صرف شده برای پروژه‌های آموزش مالی، اهمیت اطمینان از کارایی و مربوط بودن^۱ [مفید بودن] این برنامه‌ها و اثرات بلندمدت آنها نیز افزایش یافته است. در این راستا، استقرار راهبردهای هماهنگ و متناسب در سطح ملی به طور گسترده به عنوان یکی از بهترین ابزارها برای دستیابی به این اهداف کارآمد و همراه با اجتناب از موازی کاری تلقی شده است.^۲ با این حال، چنین تلاش‌های ملی به دلیل تعهد بلندمدت محدود ذینفعان، همکاری دشوار بین آنها، منافع و وظایف رقابتی، کمبود منابع مالی و غیرنقدی و سایر مسائل اجرایی، اغلب چالش برانگیز بوده است. هدف از اصول عالی پرداختن به مسائل مذکور و ارائه رهنمودهای بین‌المللی غیر الزام‌آور و گزینه‌های سیاستی به ذینفعان علاقه‌مند به‌ویژه دولت‌ها و بخش عمومی، به منظور توسعه راهبردهای ملی کارآمد برای آموزش سواد مالی است. به این ترتیب، مجموعه اصول عالی یک ابزار رهنمود جهانی کلیدی در آموزش سواد مالی و آگاهی را تشکیل می‌دهند. این موارد باید همراه با و به عنوان یک چهارچوب کلی برای مجموعه توصیه‌هایی که قبلاً توسط INFE و شورای OECD در مورد این موضوعات تهیه و تأیید شده‌اند، خوانده شوند؛ از جمله:

- توصیه OECD در مورد اصول و شیوه‌های خوب در آموزش سواد مالی و آگاهی (۲۰۰۵)^۳؛
- توصیه OECD در مورد شیوه‌های خوب برای آموزش سواد مالی مربوط به بازنشستگی خصوصی (۲۰۰۸)^۴؛
- توصیه OECD در مورد شیوه‌های خوب برای افزایش آگاهی درباره ریسک و آموزش بیمه (۲۰۰۸)^۵؛
- توصیه OECD در مورد شیوه‌های خوب در آموزش سواد مالی و آگاهی مربوط به اعتبار (۲۰۰۹)^۶؛
- اصول عالی INFE درباره ارزیابی برنامه‌های آموزش سواد مالی و راهنمای اختصاصی ارزیابی (۲۰۱۱)^۷؛
- رهنمودهای INFE برای آموزش سواد مالی در مدارس (۲۰۱۲)^۸.

اصول عالی همچنین کارهای انجام شده توسط INFE را برای گروه‌های خاصی از جامعه، سنجش سواد مالی و نقش آموزش سواد مالی در حمایت و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرد.

این اصول تصدیق می‌کنند که هیچ مدل واحدی برای توسعه راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی وجود ندارد و هدف آنها ارائه راهنمایی کلی در مورد عناصر اصلی راهبردهای ملی کارآمد برای آموزش سواد مالی است که باید با در

^۱ Relevance

^۲ Working Papers OECD, Grifoni and Messy (۲۰۱۲).

^۳ OECD (۲۰۰۵) Recommendation of the Council on Principles and Good Practices on Financial Education and Awareness.

^۴ OECD (۲۰۰۸) Recommendation of the Council on Good Practices for Financial Education relating to Private Pensions.

^۵ OECD (۲۰۰۸) Recommendation of the Council on Good Practices for Enhanced Risk Awareness and Education on Insurance issues.

^۶ OECD (۲۰۰۹) Recommendation of the Council on Good Practices on Financial Education and Awareness relating to Credit.

^۷ OECD/INFE (۲۰۱۱) High-level Principles on the Evaluation of Financial Education Programmes and dedicated Guides on Evaluation.

^۸ OECD/INFE (۲۰۱۲) Guidelines for Financial Education in School.

نظر گرفتن شرایط و زمینه کشورها اعمال شود. در این رابطه در برخی کشورها، راهبرد ملی آموزش سواد مالی ممکن است به عنوان بخشی از یک چهارچوب گسترده‌تر با هدف افزایش شمول مالی^۱ از طریق بهبود دسترسی به محصولات و خدمات مالی، در سمت عرضه؛ و افزایش سواد مالی و آگاهی، در سمت تقاضا توسعه یابد. راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی همچنین باید به عنوان مکمل اقداماتی با هدف تقویت چهارچوب حمایت از مصرف‌کننده مالی و چهارچوب نظارتی و مدبرانه مرتبط در نظر گرفته شود. در صورت امکان، اصول عالی گزینه‌های مختلفی برای اهداف اجرایی پیشنهاد می‌کند و رهنمودهای توضیحی دقیق‌تری ارائه می‌دهد تا رهنمودهای روشن اما انعطاف‌پذیر برای سیاست‌گذاران و ذینفعان علاقه‌مند فراهم گردد.

بخش اول: تعریف، دامنه و هدف

راهبرد ملی برای آموزش سواد مالی که در ادامه سند به عنوان «راهبرد ملی»^۲ نامیده می‌شود، رویکردی هماهنگ در سطح ملی برای آموزش سواد مالی است که از یک چهارچوب یا برنامه سازگار تشکیل می‌شود. ویژگی‌های این راهبرد ملی عبارت است از:

- تبیین اهمیت آموزش مالی^۳ (حتی الامکان از طریق قانونی) که به معنا و دامنه آموزش سواد مالی در سطح ملی در رابطه با نیازها و کمبودهای شناسایی شده نیز می‌پردازد (بخش اول و دوم گزارش)؛
- همکاری ذینفعان مختلف و همچنین شناسایی یک رهبر ملی یا دستگاه/شورای هماهنگ‌کننده (بخش سوم گزارش)؛
- ایجاد یک نقشه راه برای دستیابی به اهداف مشخص و از پیش تعیین شده در یک دوره زمانی معین (بخش چهارم گزارش)؛
- ارائه رهنمودهایی برای به کارگیری توسط مجریان آموزش مالی به منظور کمک اثربخش و مناسب به راهبرد ملی (بخش پنجم گزارش).

هیچ مدل یا فرآیند یکسانی برای توسعه یک راهبرد ملی وجود ندارد. فرآیند توسعه راهبرد ملی و طراحی چهارچوب آن باید به چالش‌های ملی خاص هر کشور بپردازد و با اهداف سیاستی کوتاه‌مدت و بلندمدت آن کشور تطبیق داده شود.

^۱ Financial Inclusion: شمول مالی عبارت است از فرآیند ترویج دسترسی مقرون به صرفه، به موقع و کافی به طیفی از محصولات و خدمات مالی تنظیم شده و گسترش استفاده از آنها توسط تمام اقشار جامعه از طریق اجرای رویکردهای موجود و نوآورانه متناسب از جمله آگاهی مالی و آموزش با هدف ارتقاء رفاه مالی و همچنین شمول اقتصادی و اجتماعی (OECD, ۲۰۰۵).

^۲ National Strategy (NS)

^۳ Financial Education: آموزش سواد مالی به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که طی آن مصرف‌کنندگان/سرمایه‌گذاران مالی درک خود را از محصولات، مفاهیم و ریسک‌های مالی بهبود می‌بخشند و از طریق اطلاعات، دستورالعمل‌ها یا توصیه‌های هدفمند، مهارت‌ها و اطمینان را برای آگاهی بیشتر از فرصت‌ها و ریسک‌های (مالی) جهت انتخاب آگاهانه توسعه می‌دهند. همچنین بدانند برای کمک به کجا مراجعه کنند و اقدامات مؤثر دیگری برای بهبود رفاه مالی خود انجام دهند (OECD, ۲۰۰۵).

راهبرد ملی می‌تواند بخشی از یک رویکرد کل‌نگر یا مکمل آن باشد. رویکردی که با هدف توانمندسازی مالی مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران از طریق افزایش دسترسی به طیف وسیعی از خدمات مالی تنظیم‌شده، شمول مالی مناسب، بهبود چهارچوب حمایت از مصرف‌کننده مالی یا به طور گسترده‌تر ترویج توسعه بازارهای مالی سالم و منصفانه و حمایت از ثبات مالی باشد. همچنین راهبرد ملی باید به گونه‌ای توسعه یابد که با راهبردها یا ابتکارات ملی مرتبط در زمینه شمول مالی و حمایت از مصرف‌کننده مالی سازگار باشد.

فرآیند ایجاد و اجرای راهبرد ملی در کشورهای مختلف ممکن است مسیر متفاوتی داشته باشد. بر این اساس، آنچه در این سند مهم است بیان عناصر اصلی تهیه و توسعه راهبرد ملی است که می‌تواند در زمان‌های مختلف یا به طور همزمان بر اساس شرایط هر کشور کنار هم قرار گیرد؛ و به تقدم و تأخر آنها اشاره ندارد.

اهداف خاص مؤلفه سواد مالی می‌تواند مواردی از بهبود آگاهی، اطمینان، دانش و درک بهتر مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران در مورد مسائل مالی تا اتخاذ تصمیم‌های مالی دقیق‌تر را شامل شود. این اهداف همچنین می‌تواند اولویت‌های متناسب‌تر را شامل شوند؛ از جمله ارتباط با بخش‌های خاص و آسیب‌پذیر مردم و نیز رسیدگی به اولویت‌های سیاستی شناسایی شده (به بخش چهارم مراجعه کنید).

تهیه و توسعه راهبرد ملی از یک سو و اجرای آن از سوی دیگر می‌تواند گروه‌های مختلف و دوره‌های زمانی متفاوت را درگیر کند. با توجه به تنوع تجارب، INFE باید پلتفرمی برای یادگیری دیگر همتایان ارائه دهد که از طریق آن کشورهایی که راهبرد ملی‌شان را توسعه داده‌اند، بتوانند درس‌آموخته‌های خود و شیوه‌های خوب را به اشتراک بگذارند.

بخش دوم: تهیه راهبرد ملی

تعریف دامنه و هدف از طریق ارزیابی، نگاشت نهادی-موضوعی و فرآیندهای رسمی مشورت [کارگروه‌های بین بخشی]

در حالت ایده‌آل، توسعه یک راهبرد ملی باید شامل تمام مراحل ارزیابی مناسب، نگاشت نهادی-موضوعی، فرآیندهای مشورتی و ارتباطی و پیمایش‌های مقدماتی باشد. این مراحل که به منظور آماده‌سازی انجام می‌شود ترجیحاً باید توسط دولت، یک مقام عمومی یا تنظیم‌گر (نظارتی) یا یک دستگاه مشورتی/ راهبردی ملی انجام شود.

به منظور متوقف نشدن و حرکت رو به جلو، اما با در نظر گرفتن چالش‌های احتمالی (از جمله گرایش سیاسی و امکانات موجود)، این مرحله مقدماتی باید به موقع یا همزمان با طراحی چهارچوب مشترک (بخش سوم و چهارم) و اجرای آن دنبال شود (بخش پنجم).

فرآیند توسعه راهبرد ملی به منظور افزایش سطح آگاهی از موضوعات سواد مالی در سطح ملی، ایجاد اعتماد در بین ذینفعان، شناسایی بهترین روش‌ها برای هماهنگی و اطمینان از مربوط بودن [مفید بودن] در سطح ملی مهم است. همچنین می‌تواند در شناسایی یک مقام پیشرو برای راهبرد ملی و ایجاد سازوکارهای هماهنگ‌کننده در آمادگی برای اجرا مفید باشد.

الف: نگاهت نهادی-موضوعی و ارزیابی ابتکارات موجود

در مرحله مقدماتی به ویژه باید به نگاهت نهادی-موضوعی و بررسی موارد زیر پرداخته شود:

- ابتکارات آموزش مالی موجود که توسط ذینفعان عمومی، خصوصی و جامعه مدنی ترویج می‌شوند؛
- تحقیقات و ادبیات موضوع مرتبط؛
- شیوه‌های بین‌المللی از جمله ابزارهای INFE، پیمایش‌های تحلیلی و تطبیقی، یافته‌ها و توصیه‌ها.^۱

نگاشت نهادی-موضوعی باید امکان شناسایی شرکای مرتبط و قابل اعتماد، شیوه‌های عملیاتی و قابل تکرار، همچنین ناکارآمدی‌ها و کمبودهای احتمالی را فراهم کند.

ب: نیازسنجی جامعه و مسائل اصلی سیاستی

نیازسنجی جامعه از منظر سواد مالی و کاستی‌های اصلی سیاستی در سطح ملی نیز باید انجام شود. چنین ارزیابی‌هایی ترجیحاً باید بر اساس سنجش ملی سواد مالی^۲ صورت بگیرد. ارزیابی‌ها همچنین می‌تواند اطلاعاتی را از منابعی مانند پیمایش‌های مصرف‌کنندگان و تحقیقات بازار، نظرسنجی‌ها، شکایات مصرف‌کنندگان، پیمایش‌های بازار مالی، شاخص‌های مالی و اقتصادی یا سایر فرآیندهای مشورتی استخراج کنند. این ارزیابی‌ها باید امکان تعریف بهتری از اهداف اصلی راهبرد ملی، اولویت‌ها و اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت و همچنین ارائه یک خط پایه [تعیین وضع موجود] برای اندازه‌گیری تغییرات را فراهم کند.

ث: فرآیندهای رسمی مشورت [کارگروه‌های بین بخشی]

سازوکار یا سازوکارهایی نیز برای اطمینان از فرآیندهای رسمی مشورت [کارگروه‌های بین بخشی] و هماهنگی بین ذینفعان راهبرد ملی (و احتمالاً عموم مردم) باید در طول مرحله مقدماتی، شناسایی و فعال شوند. برخی از انواع این سازوکارها عبارتند از: فرآیندهای مشورتی، ایجاد یک پلتفرم اختصاصی و شورا یا هیئتی از ذینفعان مربوطه. دامنه و سطح رسمیت این ساختارها به شرایط کشور بستگی دارد.

^۱ Working Papers OECD, Grifoni and Messy (۲۰۱۲).

^۲ برای مثال سنجش توسعه یافته در سطح بین‌الملل توسط OECD/INFE.

OECD/INFE (2011), Measuring Financial Literacy: Questionnaire and Guidance Notes for Conducting an Internationally Comparable Survey of Financial Literacy.

OECD/INFE (2011), Supplementary questions: Additional, optional survey questions to complement the OECD INFE Financial Literacy Core Questions.

Atkinson, A. and Messy, F-A. (2012), "Measuring Financial Literacy: Results of the OECD INFE Pilot Study", OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions, No. 15, OECD Publishing.

نمونه‌هایی از فرآیندهای رسمی مشورت [کارگروه‌های بین بخشی]

تشکیل شورا یا هیئتی از ذینفعان مربوطه	ایجاد یک پلتفرم اختصاصی	استفاده از فرآیندهای مشورتی
---------------------------------------	-------------------------	-----------------------------

جدول ۲- فرآیندهای رسمی مشورت و کارگروه‌های بین بخشی در مرحله مقدماتی و طراحی راهبرد ملی

د: آگاه‌سازی و ارتباطات ملی

گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی کافی از نتایج مرحله مقدماتی و اعلام رسمی راه‌اندازی و توسعه سند راهبردی باید به ذینفعان مربوطه و عموم مردم به طور فعالانه ترویج و در سطح عمومی اطلاع‌رسانی شود. ارتباطات مناسب می‌تواند آگاهی از ضرورت و اهمیت آموزش سواد مالی و راهبرد ملی را افزایش داده و مشارکت ذی‌نفعان کلیدی و آحاد مردم را به صورت حداکثری تقویت نماید.

بخش سوم: سازوکار حکمرانی و نقش ذینفعان اصلی در راهبرد ملی

چهارچوب راهبرد ملی باید متناسب با شرایط ملی و انعطاف‌پذیر باشد. همچنین باید بر سازوکارهای هماهنگی و حکمرانی شفاف با یک مقام رهبری یا سازوکار حکمرانی مشخص و مشترک اما با نقش‌ها و مسئولیت‌های کاملاً معین برای ذینفعان مربوطه تکیه کند.

الف: ساختار رهبری و حکمرانی

راهبرد ملی ترجیحاً باید توسط یک مقام یا سازوکار حکمرانی کاملاً معتبر و بی‌طرفانه آغاز، توسعه و نظارت شود. این مقام یا سازوکار حکمرانی باید در بالاترین سطح سیاستی شناسایی و ترویج شود. این مقام، مرجع یا سازوکار حاکم باید دارای تخصص و در حالت ایده‌آل یک مأموریت اختصاصی در زمینه آموزش سواد مالی (یا مسائل توانمندسازی مصرف‌کننده که آموزش سواد مالی را نیز در بر می‌گیرد) داشته باشد. همچنین باید از منابع لازم و قدرت اجرایی بالقوه برخوردار باشد تا بتواند راهبرد ملی را توسعه دهد و اجرای مناسب یک راهبرد ملی سازگار با شرایط ملی، پایدار و کارآمد را تضمین کند.

مقام مرجع یا سازوکار حکمرانی می‌تواند یک مقام یا دستگاه عمومی موجود (اعم از دولت، تنظیم‌گر(ها)، دستگاه عمومی یا شورا) یا یک دستگاه جدید و اختصاصی یا یک سازوکار/ساختار جدید با هدف هماهنگی بین مقامات مسئول

مختلف باشد. چنین ساختار(های) جدیدی می‌توانند اشکال گوناگون^۱ داشته، طیفی از ذینفعان را درگیر نمایند و از نظر مالی مورد حمایت قرار گیرند.

ب: هماهنگ‌سازی، نقش‌ها و مسئولیت‌های ذینفعان

چهارچوب راهبرد ملی باید ذینفعانی را که صلاحیت و علاقه‌شان به آموزش مالی شناخته شده است، در سطح ملی هماهنگ سازد. این هماهنگی عواملی مانند تعیین مسئولیت‌ها و نقش‌های منطبق با تخصص، نقاط قوت، علایق و منابع ذینفعان اصلی را در بر می‌گیرد. همچنین لازم است این چهارچوب به قدری منعطف باشد که بتواند با شرایط در حال تغییر سازگار شده و در نتیجه، امکان هماهنگی مجدد برنامه‌های آموزش سواد مالی را فراهم کرده و از موازی‌کاری جلوگیری کند.

۱. مقامات دولتی

همه ذینفعان عمومی مرتبط باید حتی الامکان درگیر شوند؛ از جمله وزارتخانه‌های اقتصاد و دارایی و آموزش و پرورش، بانک مرکزی، تنظیم‌گرهای مالی و ناظران و همچنین مقامات عمومی ملی، محلی و منطقه‌ای. با توجه به شرایط ملی کشورها، مقامات دولتی حداقل باید در موارد زیر مشارکت نمایند:

- تهیه مقدمات و ایجاد چهارچوب راهبرد ملی با مشورت سایر ذینفعان؛
- شناسایی اهداف کلی و اولویت‌های ملی برای آموزش مالی؛
- طراحی یا ترویج مقررات اثربخش و انعطاف‌پذیر، رهنمودها، استانداردهای کیفیت، کدهای اخلاقی و رفتاری^۲ و صدور مجوز بابت تحقق اهداف از طریق ارائه برنامه‌های آموزش مالی مناسب و با کیفیت.

اقدامات مقامات دولتی نباید جایگزین یا تکرار ابتکارات کارآمد موجود توسط ذینفعان غیردولتی باشد؛ بلکه باید در جهت هماهنگی، تسهیل، تقویت و تضمین کیفیت اقدامات سایرین باشد.

۲. بخش خصوصی و ارائه‌دهندگان خدمات مالی^۳

با توجه به تخصص و امکانات بازیگران بازار و به ویژه مؤسسات مالی، نقش آنها در آموزش مالی و توسعه راهبرد ملی باید به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی و حکمرانی خوب ایشان ترویج گردد. مشارکت بخش خصوصی در آموزش مالی باید به طور همزمان نظارت و هدایت شود تا از تضاد منافع جلوگیری گردد. مشارکت انجمن‌های ملی یا دستگاه‌های خودتنظیم و همچنین حمایت بخش خصوصی از برنامه‌های عمومی و جامعه مدنی باید تشویق شود. برای

^۱ به عنوان مثال، یک کمیته راهبری، شورا، سکو، هیئت مدیره یا یک مرجع مستقل.

^۲ Codes of Conduct: کدهای رفتاری و اخلاقی باید بر اساس معیارهای بین‌المللی مانند معیارهایی که توسط OECD/INFE ایجاد و اعلام می‌شود، باشند.

^۳ ارائه‌دهندگان خدمات مالی، واسطه‌ها و نمایندگان مجاز در چهارچوب فعالیت‌های تجاری خود، موظفند اطلاعات و مشاوره‌های هدفمند و به موقع را به مشتریان خود ارائه دهند و همچنین از صلاحیت و آموزش کافی کارکنان خود (به ویژه افرادی که در فروش شرکت دارند) اطمینان حاصل کنند.

برنامه‌های آموزش مالی که توسط بخش خصوصی ایجاد شده و اجرا می‌شود، باید استانداردهای اختصاصی ملی و بین‌المللی کیفیت، مجوزها یا کدهای اخلاقی و رفتاری توسعه یابد. به‌طور کلی بخش خصوصی در برنامه‌های آموزش مالی نباید محصولات یا خدمات مالی مشخصی را ترویج دهد و بازاریابی کند.

اقدامات بخش خصوصی و ارائه‌دهندگان خدمات مالی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ از جمله مشارکت آنها در تهیه و توسعه چهارچوب راهبرد ملی، اجرای طرح‌های مبتکرانه آموزش مالی، ارائه مطالب اختصاصی یا برنامه‌های آموزشی، حضور در مشارکت بخش عمومی-خصوصی و مشارکت و حمایت از ابتکارات عمومی یا جامعه مدنی.

۳. سایرین در جامعه مدنی و ذینفعان بین‌المللی

شرکای دیگر مانند سازمان‌های غیردولتی مرتبط، اتحادیه‌های کارگری، انجمن مصرف‌کنندگان، کارفرمایان، رسانه‌ها سایر اشخاصی که می‌توانند در سطح ملی این امور را ترویج کنند و کارمندان دولتی نیز باید در توسعه و/یا اجرای چهارچوب راهبرد ملی ایفای نقش نمایند. همکاری بین‌المللی از جمله از طریق OECD و INFE باید تشویق شود و برای ترویج توسعه راهبرد ملی کارآمد مورد استفاده قرار گیرد.

بخش چهارم: نقشه راه راهبرد ملی؛ اولویت‌های کلیدی، مخاطبان هدف، اثرسنجی و امکانات

چهارچوب راهبرد ملی باید اجزای زیر را شامل شود:

- طراحی یک نقشه راه مناسب شامل چشم‌انداز کلی و فرابخشی، اهداف واقع‌بینانه، قابل‌اندازه‌گیری و زمان‌بندی شده؛
- تعیین اولویت‌های سیاستی؛
- مخاطبین هدف (در صورت لزوم)؛
- برنامه‌ریزی برای اثرسنجی؛
- شناسایی امکانات مناسب.

همچنین نقشه راه باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد و زمینه‌پویایی راهبرد ملی (مانند محیط سیاسی) را در نظر بگیرد. همچنین برای اطمینان از اینکه نقشه راه کماکان مربوط [و مفید] است، باید محتوای آن به‌طور منظم با استفاده از تحقیق و تحلیل، بازبینی شود.

الف: اهداف و اولویت‌های سیاستی مشترک

چهارچوب راهبرد ملی باید چشم‌اندازی کلی و فرابخشی ترسیم کند و برای راهبرد ملی مطابق با شرایط کشور و یافته‌های مرحله مقدماتی، اهداف و اولویت‌های سیاستی واقعی و قابل‌اندازه‌گیری تعیین کند. در قسمت اهداف ترجیحاً باید طراحی نقشه راه با استفاده از خروجی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، همچنین نتایج بلندمدت و تعیین اهداف کمی و

کیفی برای راهبرد ملی و اولویت‌های مربوطه^۱ بیان شود. همچنین نقشه راه باید برای دستیابی به اهداف و اولویت‌های سیاستی مربوطه، برنامه زمانی ارائه دهد. با توجه به شرایط ملی، اولویت‌ها می‌توانند مواردی به شرح زیر باشند:

- افزایش دسترسی و استفاده از خدمات مالی مناسب؛
- پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مناسب‌تر؛
- کاهش بدهی و افزایش اعتبار مسئولانه؛
- بهبود سطح و کیفیت پس‌انداز برای دوران بازنشستگی و مسائل آن؛ و
- تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه در قبال ریسک و بیمه.

ب: مخاطبان هدف

چهارچوب کلی راهبرد ملی و نقشه راه آن باید معرفی آموزش سواد مالی را در اوایل زندگی افراد توصیه کند و بهتر است این کار را از طریق درج آن در برنامه درسی تحصیلی مدرسه انجام دهد. با تأکید بر تحقیقات مقدماتی، این چهارچوب کلی باید مخاطبان اصلی و اولویت‌دار را مشخص کند و در صورت لزوم بر گروه‌های آسیب‌پذیر و خاص جامعه تمرکز کند.

در اصل، هدف یک راهبرد ملی این است که اطمینان ایجاد کند آحاد مختلف مردم از سواد مالی برخوردار می‌شوند. در عمل و بر اساس شرایط ملی و نیازهای شناسایی شده، ممکن است گروه خاصی با استفاده از مداخلات فشرده‌تر و امکانات بیشتر، هدفگذاری شوند؛ گروه‌هایی مانند کهنسالان، جوانان، مهاجران، اشخاص کم‌درآمد، زنان، کارگران، بیکاران و اشخاصی که زبان مختلفی دارند و گروه‌های قومی.

ث: اثرسنجی^۲

به منظور ارزیابی اجرای راهبرد ملی باید روش‌هایی در چهارچوب راهبرد ملی و نقشه راه آن تعیین شوند و اثرات آن را اندازه‌گیری کنند. اثرگذاری کلی راهبرد ملی ترجیحاً باید از طریق توسعه پیمایش‌های سواد مالی که در آغاز اجرای راهبرد ملی برنامه‌ریزی شده و در فواصل منظم (مثلاً ۳ تا ۷ سال) انجام می‌شوند، ارزیابی گردد. این پیمایش‌ها را می‌توان با روش‌های مختلف از جمله روش‌شناسی اختصاصی INFE انجام داد. این پیمایش‌های منظم را می‌توان به منظور پایش اثرسنجی سیاست‌ها، ارزیابی مهارت‌ها و نیازهای سواد مالی و پیمایش‌های کیفی با شاخص‌های اضافی تکمیل کرد.

^۱ بسته به اولویت‌های سیاستی، این موارد می‌تواند شامل سطح دسترسی مالی، بدهی، پس‌انداز - به ویژه برای بازنشستگی - کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها، سطح تقلب، تعداد و ماهیت دعاوی و شکایات مصرف‌کنندگان و غیره باشد.

^۲ محقق: در اثرسنجی به تغییرات صورت گرفته در افراد در اثر استفاده از یک برنامه خاص پرداخته می‌شود.

د: امکانات

امکانات مالی و غیر نقدی^۱ برای توسعه، اجرا و ارزیابی راهبرد ملی در حالت ایده‌آل (نه برای همه راهبردها)، حداقل توسط هر یک از ذینفعان اصلی درگیر، در نظر گرفته شود. این موضوع به‌ویژه در صورتی که نقشه راه پروژه‌های خاصی را تعریف کند، مهم است.

در ترکیب امکانات مالی باید منابع مختلف عمومی (دولتی)، خصوصی و تأمین مالی از طریق سایر مشارکت‌های مناسب در نظر گرفته شود. کمک‌های مالی بخش خصوصی به راهبرد ملی باید فعالانه تشویق شود. بخش خصوصی می‌تواند از طریق مالیات بر صنعت، کمک داوطلبانه از طریق حمایت مالی و غیرنقدی به برنامه‌های آموزش سواد مالی دولتی یا جامعه مدنی، یا از طریق انجمن‌های ملی یا دستگاه‌های خودتنظیم مشارکت نماید.

بخش پنجم: اجرای راهبرد ملی؛ سازوکارهای ارائه و ارزیابی برنامه‌ها

در حالت ایده‌آل، چهارچوب راهبرد ملی و نقشه راه آن باید دستوراتی درباره روش‌های ارائه، اجرا و ارزیابی برنامه‌های اختصاصی آموزش مالی ارائه دهند. بسته به شرایط کشورها، توسعه چهارچوب راهبرد ملی و اجرای آن می‌تواند بازیگران، امکانات و چهارچوب زمانی متفاوتی داشته باشد.

الف: روش‌های ارائه، آموزش و ابزارها

راهبرد ملی ترجیحاً باید توصیه‌های کلی در مورد کارآمدترین روش‌های ارائه و ابزارهای مبتنی بر شیوه‌های خوب شناسایی شده و تحقیقات در حال انجام، پیشنهاد دهد که باید شامل موارد زیر باشد:

- استفاده از طیف وسیع و مناسبی از روش‌های ارائه و کانال‌های انتشار متناسب با شرایط آحاد مردم به صورت حداکثری و گروه‌های هدف؛
 - ترویج آموزش مالی به طور منظم در محیط‌های اجتماعی گوناگون و در طول زندگی شخصی افراد؛
 - آموزش مناسب به اشخاصی که می‌توانند سواد مالی را ارائه دهند و ترویج کنند؛
- (توسعه و ترویج مقررات مناسب، استانداردهای کیفیت و کدهای اخلاقی و رفتاری توسط مقامات دولتی ذی‌صلاح و اجرای آنها توسط ارائه‌دهندگان برنامه‌های آموزش سواد مالی.

ب: ارزیابی اثرات و فرآیندهای برنامه‌ها

پایش و اثرسنجی برنامه‌های آموزش مالی فردی که به راهبرد ملی کمک می‌کند، باید به عنوان بخشی از هر برنامه مرتبط به‌طور فعالانه ترویج و توسعه یابد. در این زمینه توصیه می‌شود از روش‌های موجود و روش‌هایی که از قبل شناسایی شده‌اند استفاده شود.^۲

^۱ In-kind resources

^۲ مانند مواردی که توسط OECD/INFE توسعه داده شده است؛ از جمله:

INFE (2010) Guide to Evaluating Financial Education Programmes.

INFE (2010) Detailed Guide to Evaluating Financial Education Programmes.

رهنمودهایی درباره روش‌های ارائه، آموزش و ابزارها

پیشنهاد می‌شود رهنمودهای زیر در حوزه تهیه و ارائه برنامه‌های آموزش سواد مالی در راهبرد ملی بیان شوند:

- **نیازها و ترجیحات گروه‌های هدف** باید به منظور طراحی، توسعه و ارزیابی ابزار مورد استفاده برای آموزش و ترویج^۱ به نحوی مناسب و سازگار بررسی شوند:
 - پوشش‌های گسترده اطلاع‌رسانی عمومی و هدفمند برای اطلاع‌رسانی به مردم درباره نیازهای آموزشی سواد مالی و مسائل مهم ریسک و مالی؛ توسعه این پوشش‌ها باید به‌طور منظم و در سطح ملی یا منطقه‌ای برنامه‌ریزی شود.
 - سایت‌های هدفمند و تعاملی با اطلاعات و مشاوره‌های آنلاین باید ترجیحاً توسط ذینفعان عمومی ایجاد و نگهداری شوند. در این سایت‌ها می‌توان مقایسه انواع محصولات مالی را قرار داد. منابع اطلاعاتی باید به‌طور گسترده منتشر شوند و مشوق‌های مناسبی به مصرف‌کنندگان برای دسترسی و استفاده از آنها ارائه دهند.
 - ابزارهای متنوع دیگر مانند محتوای کاغذی، کارگاه‌های آموزشی، مراکز مشاوره و
- **به کیفیت و زمان‌بندی** شیوه‌های ارائه آموزش سواد مالی توجه ویژه‌ای شود:
 - ارائه آموزش سواد مالی باید حتی‌الامکان ساده و جذاب باشد و همچنین ابزارهای تعاملی و ترفندهایی مانند برنامه‌ریزی بودجه را برای کمک به افراد در تصمیم‌گیری‌های مالی در بر داشته باشد.
 - توسعه، استفاده و ارزیابی ابزارهای نوآورانه به جای اینکه هدف بهبود دانش مالی مصرف‌کنندگان را دنبال کند، باید با هدف اثرگذاری بر رفتارهای مالی ایشان ترویج گردد. این موارد می‌تواند ابزارهای بازاریابی اجتماعی یا استفاده از یافته‌های مربوط به اقتصاد رفتاری و تحقیقات روانشناختی را نیز در بر گیرد.
 - آموزش سواد مالی ترجیحاً باید به افراد و جوامع در زمان‌هایی که قابلیت یادگیری مناسبی وجود دارد در طول زندگی ارائه شوند؛ زمانی که ایشان برای بلندمدت برنامه‌ریزی می‌کنند و نیاز دارند و یا می‌خواهند تصمیم‌های مهم مالی بگیرند؛ مانند: دوران ازدواج، بارداری، انتخاب شغل جدید، طلاق، بازنشستگی، بیکاری و ...؛ یا زمانی که در محیط مناسبی برای یادگیری قرار دارند، مانند: مدرسه، کالج آموزش بزرگسالان [دانشگاه و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای] و محل کار.
- توسعه و نظارت دقیق بر برنامه‌ها برای **آموزش ارائه‌دهندگان آموزش سواد مالی** [آموزش مربیان] و یا ترویج برنامه‌هایی با هدف آموزش مربیان و مروجین آموزش سواد مالی در آینده مانند رسانه‌ها، کارمندان دولتی، کارگران و این موضوع باید به افزایش اثربخشی^۱ و دسترسی به ابتکارات مالی کمک کند.

- توسعه **جوایز آموزش مالی**، مجوز انتشار منابع، **صدور مجوز و گواهینامه** برای برنامه‌ها و ارائه‌دهندگان را می‌توان در نظر گرفت.
- می‌توان برای تأمین مالی و حمایت از ارائه مستقیم آموزش مالی توسط سازمان‌های غیرانتفاعی، مؤسسات آموزشی و همچنین دولت‌های محلی و منطقه‌ای^۲ [دولت، استانداری‌ها، شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های عمومی غیردولتی]، مشوق ایجاد کرد.

پیشنهاد‌های سیاستی برای آموزش سواد مالی در ایران^۳

۱. تشویق و حمایت بیشتر از پژوهشگران، دانشجویان و فعالان حوزه سواد مالی در خصوص انجام تحقیقات علمی و بررسی‌های همه جانبه در حوزه نحوه تدوین و توسعه راهبرد ملی در زمینه آموزش مالی در سطح کشور از سوی وزارتخانه‌های مربوطه، دستگاه‌های متولی امور علمی و پژوهشی، دستگاه‌های دولتی، عمومی و نهادهای ناظر در حوزه بازارهای پول (بانک)، سرمایه و بیمه، ارکان بازار سرمایه و تشکل‌های خود انتظام و سایر نهادهای مالی بازار سرمایه ایران.
۲. ترویج و گفتمان‌سازی مقوله سواد مالی و اهمیت یادگیری آن در بین عموم مردم با رویکرد ایجاد مطالبه و تقاضا جهت ارائه انواع برنامه‌های آموزشی در حوزه مالی در سطح کشور و همچنین ترویج اهمیت و جایگاه این نوع آموزش‌ها در بین تصمیم‌سازان و دستگاه‌های تصمیم‌گیر در حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی.
۳. پیگیری آموزش سواد مالی در شرایط جنگ اقتصادی به عنوان پدافند غیرعامل به عموم مردم در جایگاه نقش‌آفرینان جهاد اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی به نحو مقتضی؛ علی‌الخصوص با استفاده از ظرفیت آموزش وظیفه عمومی (سربازی).
۴. شناسایی نیازها و کمبودهای مهارتی و دانشی عموم مردم در حوزه سواد مالی با استفاده از معضلات، مشکلات و پیامدهای ایجاد شده ناشی از رفتارهای مالی و اقتصادی ناصحیح و ناسالم در سطح ملی با هدف ترسیم مسیر و روند برنامه‌های آموزش سواد مالی و هدفگذاری در هر مرحله از برنامه‌ریزی.
۵. تعریف پروژه‌های علمی و پژوهشی در سطح دستگاه‌های دولتی و عمومی در حوزه بازارهای پول (بانک)، سرمایه و بیمه، نهاد ناظر بازار سرمایه و مراکز علمی و پژوهشی در راستای ترجمه و مطالعه تطبیقی پیرامون اسناد راهبرد ملی آموزش مالی کشورهای موفق و نهادهای بین‌المللی.
۶. بخش‌بندی و تفکیک بخش‌های مختلف راهبرد ملی در مراحل مختلف تدوین و طراحی، توسعه و اجرا بین گروه‌های تخصصی با هدف انجام فعالیت تخصصی و همزمان به جهت تسریع در طراحی و اعلام موجودیت راهبرد ملی.

^۱ Effectiveness

^۲ local or Regional Governments

^۳ ارائه شده توسط محققین.

۷. پیمایش‌های سالانه منظم سنجش سطح سواد مالی در کشور با دو هدف شناسایی وضعیت موجود و بررسی روند تغییرات پس از اجرای برنامه‌های آموزش سواد مالی بر اساس راهبرد ملی توسط دستگاه تخصصی از جمله وزارت اقتصاد و یا سازمان بورس و اوراق بهادار.
۸. شناسایی و احصاء اسناد بالادستی، قوانین و مقررات جاری کشور که دارای بخش‌های مرتبط با آموزش سواد مالی و تربیت اقتصادی هستند؛ با هدف شناسایی دستگاه‌ها و سازمان‌های متولی و همچنین تشخیص حدود وظایف و اختیارات آنها جهت تدوین راهبرد ملی.
۹. ایجاد یک هویت بصری برای برند ملی به همراه شعار ویژه جهت اطلاع‌رسانی مؤثر و جذاب به ویژه در بین دانش‌آموزان و عموم مردم در کنار تعریف رویدادهای ملی مختلف در مناسبت‌های مختلف با موضوع آموزش سواد مالی.
۱۰. ایجاد یک پلتفرم ساده و کاربردی آموزش سواد مالی با هدف انتشار محتوای آموزشی، معرفی خدمات و ابزارهای مالی، امکان مقایسه، پرسش و پاسخ و مشاوره با رویکرد توسعه برنامه کاربردی و خدمات ارزش افزوده جانبی.
۱۱. تشکیل صندوق حمایت از مؤسسات و مراکز آموزش خصوصی در حوزه سواد مالی کودکان و بزرگسالان با هدف شناسایی این نهادها و سیاست‌گذاری در جهت راهبرد ملی.
۱۲. تعیین گروه‌های هدف و مناسب جهت آغاز برنامه‌های آموزش سواد مالی با الگوبرداری از کشورهای موفق از جمله: کودکان، مادران و زنان سرپرست خانواده، دانشجویان، بازنشستگان، دانش‌آموزان و معلمان.
۱۳. ایجاد سازوکاری در راستای تدوین محتوای استاندارد ایرانی اسلامی آموزش سواد مالی.
۱۴. برگزاری سریع و گسترده دوره‌های تربیت مربی در حوزه آموزش سواد مالی برای سنین مختلف.
۱۵. بهره‌گیری از ظرفیت آموزش ضمن خدمت معلمان و اعضای هیئت علمی بابت ترویج و توسعه آموزش‌های مالی با هدف انتقال به دانش‌آموزان و دانشجویان.
۱۶. تعریف استانداردهای محتوایی و اجرایی در زمینه آموزش مالی و اعلام عمومی آنها جهت استفاده مروجین خصوصی و عمومی در سطح کشور.
۱۷. بهره‌گیری از ظرفیت کارگزاران و نهادهای مالی در زمینه اجرای آموزش مالی و ارتباط مؤثر با افراد دارای کد سهامداری در سطح کشور.

- Atkinson, A. and Messy, F-A. (2012), “Measuring Financial Literacy: Results of the OECD INFE Pilot Study”, OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions, No. 15, OECD Publishing.
- Grifoni, A. and Messy, F-A. (2012), “Current Status of National Strategies for Financial Education: A Comparative Analysis and Relevant Practices”, OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions, No. 16, OECD Publishing.
- INFE (2010a), Guide to Evaluating Financial Education Programmes.
- INFE (2010b), Detailed Guide to Evaluating Financial Education Programmes.
- OECD (2005), Recommendation of the Council on Principles and Good Practices on Financial Education and Awareness.
- OECD (2008a), Recommendation of the Council on Good Practices for Financial Education relating to Private Pensions.
- OECD (2008b), Recommendation of the Council on Good Practices for Enhanced Risk Awareness and Education on Insurance Issues.
- OECD (2009), Recommendation of the Council on Good Practices on Financial Education and Awareness relating to Credit.
- OECD/INFE (2009), Financial Education and the Crisis: Policy Paper and Guidance.
- OECD/INFE (2011a), Measuring Financial Literacy: Questionnaire and Guidance Notes for Conducting an Internationally Comparable Survey of Financial Literacy.
- OECD/INFE (2011b), Supplementary questions: Additional, optional survey questions to complement the OECD INFE Financial Literacy Core Questions.
- OECD/INFE (2011c), High-level Principles for the Evaluation of Financial Education Programmes.
- OECD/INFE (2012), Guidelines for Financial Education in Schools.
- OECD/INFE (2012), High-level Principles on National Strategies for Financial Education.